

مقدمه

انسان، مهمترین آرمان و انگیزه خود را از زندگی حصول کامیابی و سعادت میپندارد و بر اساس دریافتهای ذهنی خویش از این معنا و مفهوم، مسیر حیات و زیست خویش را تعیین مینماید. فهم و درک و شناخت هر فرد نسبت به چیستی خوشبختی چارچوب و ایدئولوژیی که وی برای خود بر میگزیند، و سعادت، توجیهگر چگونگی رسیدن به آن است و بر همین اساس تلاش و کوشش یا تنبلی و سستی و گزینه هایی، نشاط یا افسردگی، برون دادهای اخلاقی او را رقم میزنند. امیدواری یا ناامیدی که در دایره عناصر و مباحث اخلاقی قرار میگیرند، همه و همه تحصیل همان مایه و چارچوبی است که فرد از لحاظ فکری و عقیدتی برای خود بر میگزیند.

بخش اول: اخلاق فردی

درس اول: کلیاتی پیرامون علم اخلاق

معنای لغوی اخلاق

در مفردات راغب اصفهانی آمده است: «خُلُق به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده میشود، بنابراین، می توان گفت: اخلاق، مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است.»

معنای عرفی اخلاق

جدای از معنای اصطلاحی آن، معنایی عرفی دارد که بدیهی است. اخلاق در معنای عرفی یعنی لایهای از رفتار انسان، اخلاق که در رفتار او با دیگران پدیدار میشود. وقتی میگوییم: فلانی اخلاقش خوب است، یعنی او دارای صفات پسندیده‌ای است که باعث شده است که دیگران نسبت به شخصیت و رفتار او احساس خوبی داشته و در امان باشند؛ او سراسر صلح و آرامش است و هنگامی که از شخصی به عنوان بد اخلاق یاد میکنیم، یعنی کسی که دارای تشعشعات منفی بوده و صفات منفی او، همه را از گرد وی فراری داده و اطرافیان از بودن با او، لذت نمی برند.

معنای اصطلاحی اخلاق

اخلاق، جمع «خُلُق» و «خُلُق» به معنی خوی و خصلت است. به معنای صفات درونی، در مقابل «خَلَق» که هیئت و شکل ظاهری و جسمی آدمی است که با چشم دیده می شود. خلق و خوی آن دسته از صفات را در می گیرد که در نفس، راسخ باشند و به راحتی زایل نشوند، به گونه ای که انسان، بی درنگ و بدون اندیشه، کار پسندیده و یا ناپسندی را انجام دهد. خلق، صفتی نهادینه شده در درون انسان است. چه بسا کسی در نهاد خود بخشنده باشد، اما بخشش نداشته باشد؛ زیرا مالی ندارد و

یا برای بخشندگی او بازدارنده، وجود دارد و چه بسا کسی بخیل باشد، ولی برخلاف میل و خلق خود از روی ریا مالی را ببخشد.

علم اخلاق

علم اخلاق، راه های آراسته شدن به خصلتهای تیک و دوری گزیدن از خصلتهای ناشایست را به ما نشان می دهد. موضوع اصلی علم اخلاق، نفس انسانی است که محل استقرار خویهای نیک و بد است و سبب انجام کارهای پسندیده و ناپسند می گردد. تهذیب اخلاق، تهذیب نفس و تزکیه نفس، بیان دیگری از علم اخلاق است.

شهید مطهری می نویسد: اخلاق، عبارت است از علم زیستن با علم چگونه باید زیست؟ - در حقیقت، چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتار کردن و شعبه چگونه بودی چگونه رفتار کردن، مربوط می شود به اعمال انسان (که البته شامل گفتار هم می شود که چگونه باید باشد؟ و چگونه بودن، مربوط می شود به خوبی ها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد. رفتار، در ساختن چگونگی خلق و خوی ها تأثیر دارد و خلق و خوی ها در چگونگی وجود انسان

واژه علم اخلاق در تفکر غرب به سه معنای جدای از یکدیگر، اما هماهنگ با یکدیگر و مربوط به رفتار انسان به کار می رود

۱- روش عام یا راه زیستن

۲- مجموعه قواعد رفتار با قانون های اخلاق

۲- تحقیق در مورد راههای زیستن و قواعد رفتار

تحقیقاتی که دانشمندان غربی انجام داده اند، مربوط به رفتار و تأثیر عوامل گوناگون در آن می شود؛ اما دانشمندان اسلامی روی تعدیل و برابر کردن غرایز و مبارزه با نفس و تهذیب صفات درونی کار کرده اند.

جایگاه اخلاق

اخلاق از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، بدان اندازه که پیامبر اسلام فرمود: «من برای تکمیل کردن خوبی های اخلاقی مبعوث شدم» اولین نمودی که از یک شخص در جامعه ظاهر می شود، اخلاق آن فرد است و اخلاق، زبانی بین المللی دارد و می توان با آن هر انسانی را تحت تاثیر قرار داد. اگر جامعه ای با اعتقادات ما مشکل داشته باشد، می توان از طریق اخلاق به آنان، نفوذ کرد. فضائل اخلاقی مطلق است و همه آن را می پسندند. زبان امروز دنیا زبان اخلاق است

دین اسلام برای اخلاق، جایگاهی بس رفیع قائل است و منابع اسلامی مملو از آموزه های اخلاقی است. هیچ دین و آئینی مانند اسلام و خصوصاً شیعه، از لحاظ آموزه های اخلاقی از غنا برخوردار نیست. تمام فضیلت فضاهاى اخلاقى که برای یک انسان ممکن است پیش بیاید، در دین اسلام بیان شده و از غنای بسیار عجیبی برخوردار است

اخلاق و قرب الهی

از یک بعد، اخلاق، یعنی بهبود روابط انسان با خدای خود و دیگران همه بخش های اخلاق باید در نهایت به یک هدف ختم

شوند و آن هدف قرب الهی است

اخلاق بر اساس روابط انسان، شامل موارد زیر می شود:

1- اخلاق بندگی: انسان نسبت به خالق و آفریدگار خود وظایف اخلاقی دارد. هر کسی احساس می کند، هرچه داره از خدای متعال است و تنها با عبادت معبود حقیقی هستی، آرامش می یابد. فضائل و رذایل مربوط به رابطه انسان و خدا در اخلاق بندگی مشاهده می گردد. فضایی مانند: شکر، توکل، ایمان، عبادت، اخلاص، تسلیم، تقوا و ... در این قسم جای دارد. |

2- اخلاق فردی: هر انسان نسبت به خود نیز وظایفی دارد. فضایل و رذایل مربوط به حیات فردی انسان ها فارغ از رابطه با غیر در اخلاق فردی بحث میشود.

فضایل صبر، شجاعت، حسن تدبیر، شهامت، حلم، عفت، حیا، زهد، قناعت و - و رذایلی از قبیل جبن، تهور، عجله، غضب، عجب و ... در این بخش خواهد آمد.

3- اخلاق اجتماعی: یکی از مهم ترین بخش ها و وظایف اخلاقی یک مسلمان ارتباط اخلاقی او با جامعه و محیط پیرامون است. (اعم از محیط خانواده و جامعه) فضایل و رذایل ناظر به رابطه فرد با سایر انسان ها در اخلاق اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد.

4- اخلاق محیط زیست: تشویق و سفارش اسلام بر حفظ و گسترش درخت کاری و نکوهش این دین مبین در مورد شکار و صید، نشان دهنده توجه این دین به محیط زیست است. سفارش به آزار ندادن حیوانات اهلی و داستان های واقعی فراوان در مورد توجه انسان ها به حیوانات و در پی آن مشمول رحمت خداوند قرار گرفتن نمونه بسیار کوچکی از این توجه است.

به طور کلی دین اسلام برای تمامی ارتباطات آدمی، برنامه اخلاقی ارائه کرده است و این نمونه ای از جهان بینی اخلاقی است ارائه نظام اخلاقی از خصوصیات بارز یک دین برتر است که دین اسلام آن را داراست. وقتی به منابع اسلامی از قبیل قرآن روایات و ادعیه مراجعه می کنیم، در جای جای این منابع، قطعه ای از این برنامه اخلاقی را ملاحظه می نماییم.

هدف از علم اخلاق

از منظر اسلام، علم اخلاق آمده است که فضائل را بر نفس انسان حاکم نماید و به عبارت دیگر نفس انسان را از آلوده شدن به رذایل، مصون دارد.

بنابراین، هدف از علم اخلاق در بعد عملی، پاکي نفس انسان است و علمای اخلاق برای تزکیه، مراحل و مراتب را قائل هستند که در بخش های بعدی مورد اشاره قرار خواهد گرفت بر این اساس هدف از علم اخلاق در بینش اسلامی را می توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

1- اخلاق، تعدیل کننده خواسته های انسان است

2- اخلاق، تقویت کننده و پرورش دهنده بعد معنوی است.

2- اخلاق، ضامن اجرای قوانین و مقررات است.

4- اخلاق، حافظ ایمان است

۵- علم اخلاق، افراد بشر را از هرگونه عیب و نقصی منزّه و مبرا ساخته، او را به اوج مکارم اخلاقی می‌رساند

۶- علم اخلاق نیروهای سرکش نفس انسان را مهار و رام نموده و آنها را در مسیر حکمت و عدالت و عفت تقویت می‌کند

تا به پایه مکارم اخلاقی برسند.

نقش اخلاق در زندگی و تمدن انسانها

نقش اخلاق در زندگی و تمدن انسانها

بعضی از نا آگاهان، مسائل اخلاقی را به عنوان یک امر خصوصی در زندگی شخصی می‌نگرند و یا آنها را مسائل مقدس روحانی و معنوی می‌دانند که تنها در زندگی سرای دیگر اثر دارد، در حالی که این یک اشتباه بزرگ است. اکثر مسائل اخلاقی بلکه همه آنها آثاری در زندگی اجتماعی بشر دارد، اعم از مادی و معنوی و جامعه انسانی منهای اخلاق، به باغ وحشی تبدیل خواهد شد که تنها قفس ها می‌توانند جلوی فعالیتهای تخریبی این حیوانات انسان نما را بگیرد.

درست است که زندگی فردی نیز بدون اخلاق، لطافت و شکوفایی و زیبایی ندارد. درست است که خانواده ها بدون اخلاق سامان نمی‌پذیرند؛ ولی از آنها مهم تر، زندگی اجتماعی بشر است که با حذف مسائل اخلاقی به سرنوشت دردناکی گرفتار میشود که بدتر از آن تصور نمی‌شود.

ممکن است گفته شود سعادت و خوشبختی و تکامل جوامع بشری را می‌توان در پرتو عمل به قوانین و احکام صحیح به دست آورد، بی آن که مبانی اخلاقی در افراد وجود داشته باشد.

در پاسخ می‌گوییم: عمل به مقررات و قوانین نیز بدون پشتوانه اخلاق، ممکن نیست. تا از درون انسانها انگیزه هایی برای

اجرای مقررات و قوانین وجود نداشته باشد، تلاش های بیرونی به جایی نمی‌رسد.

زور و فشار بدترین ضمانت اجرایی قوانین و مقررات است که جز در موارد ضروری نباید از آن استفاده کرد و در مقابل آن ایمان و اخلاق بهترین ضمانت اجرایی قوانین و مقررات محسوب می‌شود

درس دوم: اخلاق از منظر اسلام و قرآن

خصوصیات اخلاقی انسان از منظر قرآن کریم

خداوند متعال در جای جای قرآن کریم، ابعاد وجودی انسان را معرفی نموده است که خود نمایانگر پیچیدگی های خاص وجود آدمی است که به چند مورد از آنها اشاره می‌گردد

- در نیکوترین حالت آفریده شده است: «لقد خلقنا الانسان فی أحسن تقویم»

- طغیان و سرکشی در بی نیازی و رفاه: «کنا إن الإنسان لیطغی أن راه استختی»

داستان فرزند توح در قرآن کریم 'نمونه بارز چنین ادعایی است

اهمیت اخلاق در روایات اسلامی

این مسئله در احادیثی که از شخص پیامبر اکرم و همچنین از سایر پیشوایان معصوم رسیده است، با اهمیت فوق العاده ای تعقیب شده که به عنوان نمونه چند حدیث پر معنای زیر را از نظر می گذرانیم

1- در حدیث معروفی از پیامبر اکرم آمده است: «إنما بعثت لأكمل مكارم الاخلاق» من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی

مبعوث شده ام

تعبیر به «إنما» که به اصطلاح برای حصر است، نشان می دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسان ها خلاصه می شود.

2- در حدیث دیگری از امیر مومنان علی می خوانیم که فرمود: «لو كنا لا نرجو جنه ولا نخشى ناراً ولا ثواباً ولا عقاباً كان ينبغي لنا أن نطالب مكارم الاخلاق فإنها مما تدل على سبيل النجاح»؛ «اگر ما امید و ایمنی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقایی نمی داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم؛ چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.»*

3- در حدیث دیگری از رسول خدا آمده است: «جعل الله سبحانه مكارم الاخلاق صلةً بين عباده فحسب أحدكم أن يتمسك بخلق متصل بال»؛ «خداوند سبحان فضائل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خودش و بندگانش قرار داده و همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزند که او را به خدا مربوط سازد

به تعبیر دیگر خداوند بزرگترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضائل است و قرب و نزدیکی به خدا جز از طریق تخلق به اخلاق الهی امکان پذیر نیست، بنابراین هر فضیلت اخلاقی رابطه ای میان انسان و خدا ایجاد می کند و او را گام به گام به ذات مقدسش نزدیک تر می سازد.

ج- ارتباط با طبیعت (اخلاق محیط زیست) |

مؤلفتها و فضایل مربوط به هر حوزه با هم تفاوت دارند؛ البته همه بخش های اخلاق باید در نهایت به یک هدف ختم شوند و آن هدف قرب الهی است

تاثیر متقابل اخلاق و عمل در احادیث اسلامی

این حقیقت که اعمال نیک و بد در روح انسان اثر می گذارد و به آن شکل می دهد و خواهی نیک و بد را مستحکم می کند

بازتاب گسترده ای در احادیث اسلامی نیز دارد. به عنوان نمونه در حدیثی از امام صادق می خوانیم: «کان ابی یقول ما من شیء افسد للقلب من خطیئه أن القلب لیواقع الخطیئه فما تزال به حتی تغلب علیه فیصیر اعلاه اسفله»، «پدرم (امام باقر) می فرمود: چیزی بدتر از گناه قلب را فاسد نمی کند. گناه قلب را تحت تأثیر خود قرار می دهد و به تدریج در آن اثر می کند تا بر آن غالب گردد. در این هنگام قلمی وارفته میشود و بالای آن، پایین قرار می گیرد» |

البته این حدیث بیشتر ناظر به دگرگون شدن افکار بر اثر گناه است، ولی در مجموع تأثیر گناه را در تغییر روح انسان منعکس می کند.

اصول اخلاقی در قرآن

از تقسیم هایی که از مجموعه آیات قرآن استفاده می شود، این است که اصول اخلاق را می توان در چهار بخش خلاصه کرد:

1- اصول اخلاقی در ارتباط با خالق

2- اصول اخلاقی در ارتباط با خلق

3- اصول اخلاقی در ارتباط با خویشتن

4- اصول اخلاقی در ارتباط با جهان آفرینش و طبیعت

در قرآن مجید، مجموعه آیاتی وجود دارد که به نظر می رسد، اصول کلی اخلاق در آن ترسیم شده است. از جمله مجموعه آیات سوره لقمان است که از این آیه شروع می شود: «ولقد آتینا لقمان الحکمة أن اشکر الله»: «ما به لقمان حکمت بخشیدیم و به او الهام کردیم) شکر خدا را به جای آور»

درس دوم: خودشناسی

اهمیت خودشناسی

« من عرف نفسه فقد عرف ربه»، « هرکس خود را بشناسد، خدای خود را شناخته است».

این عبارت تغز و پر معنا، کلام گهربار امام علی است که در بیان بسیاری از اندیشمندان دیگر نیز مورد تاکید واقع گردیده است. امام صادق می فرماید: «ای انسان! تو طبیب خویشتن قرار داده شده و دردها برای تو بیان شده است و به دواهای آن در دردها هم راهنمایی شده ای»

مهم ترین سوال و نیاز معرفتی بشریت شناخت خویشتن است. بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه بشری ناشی از عدم شناخت خود است.

مسئله مرتبط با بحث حاضر، بررسی تأثیرپذیری اخلاق از مقوله خودشناسی است. از اعمال غریزی آدمی که بگذریم، بسیاری از ابعاد ارادی انسان، ناشی از شناخت هست، کما اینکه عمل اخلاقی که بر اساس اختیار و اراده فرد صورت می پذیرد نیز، خود منبعث از شناخت وی از فطرت و جوهره فکری وجودی «بشر» است.

بسیاری از فلاسفه جدید غربی، حقیقت آدمی را منحصر در بدن و ظاهر فیزیکی و تحت تأثیر عقل و ذهن مادی خود میپندارد و نه چیز دیگر.

آدمی با گام برداشتن در تاریکی و ظلمات، راه به جایی نخواهد برد. خداوند سبحان در بخشی از آیات سوره بقره که به «آیت الکرسی» نیز مشهور است، می فرماید: «أله وکئ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات إلى النور»: «خداوند دوست و بار اهل ایمان است که آنان را از تاریکی های جهل بیرون آرد و به عالم نور برد»

با توجه به تعاریف متفاوتی که مکاتب علمی و فلسفی و ادیان الهی از وجود آدمی ارائه داده اند و هر یک بر شناخت صحیح و دقیق خود از وجود پیچیده انسان صحنه می گذارند، نشانگر اهمیت و ضرورت خودشناسی است. شاید بتوان ضرورت این مهم را در چند محور خلاصه نمود که عبارتند از:

- شناسایی عوامل رشد و یا انحطاط

شناخت ابعاد وجودی انسان، راههای کمال جویی و حرکت به سوی تعالی را بر وی می نمایاند. شناخت پیچیدگی های وجود آدمی کار سهل و ساده نیست؛ چنان که مولوی می گوید:

گر به ظاهر آن پری پنهان بود / آدمی پنهان تر از پریان بود

تزد عقل زان پری که مظهر است / آدمی صد بار خود پنهان تر است.

- شناخت بحران های ناشی از انسان شناسی غلط

بسیاری از بحران های اجتماعی، سیاسی و فلسفی ناشی از تعریف غلط و آدرسهای اشتباه ابعاد وجودی آدمی بوده است. آیا سرنوشت یک جامعه و ملت آن قدر مهم نیست که در زمینه شناخت راه و روش صحیح و نقشه حرکت او اهتمامی وافر به عمل

- تعمیق شناخته پیرامون فضائل و رذائل اخلاقی

مکاتب علمی درصد هستند تا بر اساس آزمونها و تجربه های اثباتی آدمی را همانند هر وجود دیگری در بوته آزمایش قرار دهند و بر این اساس تنها رفتارهای ظاهری و کنشها و عکس العمل هایی که امکان بروز و ظهور پیدا می کنند، به عنوان ملاک

و معیار شناخت قرار می گیرند. غافل از آن که بسیاری از حالات درونی و روحی انسان قابل تجربه و تظاهر نمی باشد. همچنین

مکاتب فلسفی تیز به بررسی ماهیت کلی و جوهره ماهوی انسان از دیدگاهی فراخ پرداخته و با چنین برداشت و نگرشی به تجزیه و تحلیل «خود» آدمی میپردازند. ادیان الهی اما در این میان جمع الجمعی را قائل شده و انسان را در ابعاد مختلف چیستی او در معرض شناخت قرار می دهند. هر یک از گزینه های فوق، بر اساس شناخت خود، به تعریف اخلاق و گرایش های اخلاقی نیز مبادرت ورزیده اند که

ناگفته پیداست، این تعاریف هنگامی می تواند از جمعیت و تعمیق بیشتری برخوردار باشد که با شناختی همه جانبه و فراگیر از تمامی ابعاد وجودی آدمی صورت پذیرفته باشد.

موانع خودشناسی

نخستین گام برای درمان بیماری های جسمی شناخت بیماری هاست. به همین دلیل امروز که از طریق آزمایش های مختلف می توان به وجود بیماری های گوناگون و کم و کیف آنها آگاه شد، راه درمان آسان تر است. در بیماری های روحی و آلودگی های اخلاقی نیز مطلب دقیقا همین گونه است. غالباً خودخواهی و حب ذات، مانع از شناخت صفات رذیله و پذیرفتن عیوب اخلاقی خویش و اعتراف به آن است. اعتراف به عیوب خویش، شجاعت و شهامت و عزم راسخ و اراده آهنین لازم دارد و گر نه انسان سعی خواهد کرد بر عیوب خویش سرپوش نهد و اگر عیبی از پرده برون افتاد، با تردستی آن را برای همه، حتی خودش توجیه نماید.

به هر حال، مانع اصلی خودشناسی، حجاب و پوده حب ذات و خودخواهی و خود برتر بینی است و تا این پرده ها کنار نرود، خودشناسی ممکن نیست و تا انسان خودشناسی نکند و به نقاط ضعف خویش آگاه نگردد، راه تهذیب اخلاق به روی او بسته خواهد بود.

حضرت علی در گفتاری کوتاه و پر معنی در این باره می فرمایند: «جهل المرء بعیوبه من أكبر ذنوبه»؛ ناآگاهی انسان نسبت به عیوبش، از بزرگترین گناهان او است.

اکنون این سوال پیش می آید که چگونه انسان می تواند حجاب خودخواهی را برد و به عیوب خویش آشنا شود؟

مرحوم فیض کاشانی در این زمینه بحث مقید و راهگشایی دارد، برای پی بردن به عیوب خویش، چهار راه است

نخست اینکه به سراغ استادی برود که آگاه از عیوب تقس است و بر خفایا و آفات اخلاقی آگاهی دارد، او را حاکم بر تقس

خویش سازد و از ارشادات او بهره گیرد و این در زمان ما کم است!

فضائل

تواضع و فروتنی

تواضع یعنی شکستن قفس به گونه ای که انسان خود را بالاتر از دیگری نبیند.

پیامبر می فرماید: «هیچ کس تواضع نکرد، مگر آن که خدا او را بلند گردانید» روزی پیامبر به اصحاب خود فرمود: «چرا من حلاوت عبادت را در شما نمی بینم؟ عرض کردند: چه چیز است، حلاوت عبادت؟ فرمود: تواضع»

همچنین امام علی نیز فرموده اند: «زینة الشریف التواضع»،

خداوند کریم در آیاتی از قرآن به موضوع تواضع و فروتنی و تیز دوری از کبر و غرور اشاره فرموده است: «ولا تمش فی الأرض

مرحاً إنک لن تخرق الأرض ولن تبلغ الجبال طو

«؛ و هرگز در زمین به کبر ناز راه مرو که زمین را نتوانی شکافت و به

کوه در سربلندی تخولهی رسید». و نیز در آیه دیگری فرموده است: دوعباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض وناً وإذا

خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً؛ «و بندگان خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه

مردم جاهل به آنها خطاب کننده با سلامت تقس و زبان خوش جواب دهند».

صبر

صبر، عبارت است از: ثبات و اطمینان نفس در مصائب و مضطرب نشدن در بلایا و ایستادگی در برابر حوادث و شدائد، به نحوی که خاطر او پریشان نگردد. خداوند سبحان فرمود: «و بشارت ده صبر کنندگان را که چون مصیبتی به ایشان رسید، گویند: ما از خداییم و بازگشت ما به سوی اوسته

پیامبر اکرم فرمود: صبر، نصف ایمان است»

حلم، عبارت است از: اطمینان نفس به گونه ای که قوه غضب به آسانی آن را تحریک نکند.

پیامبر اکرم فرمودند: «از محبوب ترین راهها به سوی خداوند متعال فرو بردن دو جرعه است: جرعه خشمی که فرو بری به حلم

و بردباری و جرعه مصیبتی که فرو بری به صبر و شکیبایی»

امام رضا نیز فرموده اند: «آدمی به مقام عبادت خدا نقل نمی شود تا اینکه حلیم و بردبار شود».

توجه به این نکته ضروری است که صبر هرگز به معنی تحمل بدبختی و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست

تبیست

صدق و راستی

از مهم ترین فضائل اخلاقی و به اعتقاد برخی، اشرف صفات نفس انسان، صداقت است.

پیامبر اکرم فرمودند: نزدیک ترین شما در فردای قیامت به من راستگوترین شماست»

صدق را می توان به چند قسم، تقسیم کرد:

- صدق در گفتار

- صدق در تبت و اراده

- صدق در عزم، تصمیم و توکل

۴- صدق در وفای به عهد

۵- صدق در مقامات دینی مثل صبر، شکر، توکل، حیا و -

شکر و سپاسگزاری

شکر، آن است که شخص، نعمتی را به نظر آورده و آن را اظهار کند.

خداوند، شکر را وسیله ای برای زیادتی نعمت قرار داده؛ چنان که می فرماید: «اگر سپاس گزار باشید، نعمت شما را افزون میکشم»

رسول خدا را هرگاه امری رخ می نمود که شادمان میشد، می فرمود: خدا را برای این نعمت، شکر می کنم» و چون امری پیش می آمد که غمگین می گشت، می فرمود: «خدا را در هر حال شکره

ابتدا باید بدانیم که حقیقت شکر چیست؟ آیا حقیقت شکر، تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمدلله» و مانند آن است؟

شکرگزاری خود دارای مراحل است: اول آنکه بدانیم بخشنده نعمت کیست و پس از آن و به صورت زیاتی از آن تشکر نماییم. مهم تر از آن، مرحله عمل است؛ بدین معنا که دریابیم که آن نعمت برای چه منظوری و با چه هدفی بخشیده شده است و آن را در مورد خودش صرف کنیم که در غیر این صورت کفران نعمت کرده ایم.

ردائل اخلاقی

غیبت

غیبت در اصطلاح عبارت است از: گفت و گو کردن از تقاص و عیوب برادر دینی در غیاب او، به گونه ای که اگر با خبر شود ناراحت خواهد شد؛ خواه تقص او از منظر دینی و اخلاقی باشد یا از نظر جسم و گفتار و

پیامبر اکرم در این زمینه می فرماید: های گروهی که به زبان ایمان آورده اید و نه با قلب! غیبت مسلمانان را نکنید و از عیوب

پنهانی برادر خود، جستجو نمایید، زیرا کسی که در امور پنهانی برادر دینی خود جستجو کند، خداوند اسرار او را فاش می سازد و در خانه اش رسوایش می کند».

اصولا سرمایه بزرگ انسان در زندگی حیثیت و آبرو و شخصیت اوست؛ بنابراین یکی از مهم ترین فلسفه های تحریم غیبت و قرار گرفتن آن در ردیف گناهان کبیره، آن است که این سرمایه بزرگ از بین نرود و حیثیت افراد، لکه دار نشود.

نکته دیگر آن که غیبت، بدبینی می آفریند؟ پیوندهای اجتماعی را سست می کند، سرمایه اعتماد عمومی را از بین می برد و پایه های تعاون و همکاری را متزلزل می سازد

حسد

حسد که در فارسی از آن تعبیر به رشک می شود، به معنای آرزوی زوال نعمت از دیگران است، خواه آن نعمت به حسود برسد یا نه.

حسد، انگیزه و عامل بسیاری از جنایات و بزه کاری های اجتماعی است. فرد حسود، بیش از آن که به دیگران آسیب برساند خود از نظر جسمی و روحی آسیب می بیند؛ چنان که امام علی می فرمایند: «عجیب است که حسودان از سلامت جسم خود، به کلی غافلند»

از نظر معنوی نیز، حسد نشانه کمبود شخصیت، ناداتی، کوتاه فکری، ضعف و نقص ایمان است. امام صادق در همین رابطه می فرماید: «حسد و بدخواهی، از تاریکی قلب و کوردلی است و از انکار نعمتهای خدا، سرچشمه می گیرد و این دو، دو بال کفر هستند. به سبب کفر بود که فرزند آدم در یک حسرت جاوداتی فرو رفت و به هلاکتی افتاد که هرگز از آن رهایی نمی یابد».

در قرآن کریم آمده است که نخستین قتل و کشتاری که در روی زمین واقع شد، عامل آن، حسد بود. |

در نهج البلاغه از قول امام علی روایت شده است که فرمودند: «حسد، تدریجاً ایمان را می خورد. همان طور که آتش، هیزم را تدریجاً از بین می برده

دروغ

دروغ، عبارت است از: اظهار آن چه خلاف واقع و باور انسان است. بر این اساس، سخن دروغ در خود، دو شرط را حمل

می کند

1- آنچه بر زبان می آید با واقعیت مطابقت نداشته باشد.

2- با توجه به علم، آگاهی و باور شخص، خلاف واقع باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم در مورد شخص دروغگو می فرماید: «خداوند کسی را دروغگو و ناسپاس باشد، هدایت نمی کند؟»

امام علی می فرماید: از دروغ دوری کنید؛ زیرا آن دور کننده ایمان است. راستگو بر راه رستگاری و کرامت است و دروغگو بر لبه پرتگاه هلاکت و خواری است

امام حسن عسکری می فرمایند: «تمامی خیانت ها و پلیدی ها در خانهای قرار گرفته است که کلید آن دروغ است»

سوء ظن

برخی از مردم به واسطه حس بدبینی و منفی نگرانه ای که نسبت به سایرین دارند، اغلب رفتار و گفتار دیگران را بر وجه منفی حمل نموده و آنان را افرادی ناسالم و بدکردار تلقی می نمایند. اگر چنین تصور و اندیشه ای خلاف حقیقت و غیر واقع باشد، به آن بدگمانی و سوء ظن گویند

قرآن کریم در این باره می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمانها بپرهیزید؛ زیرا بعضی از آنها گناه است و در کار یکدیگر تجسس نکنید و کسی از شما غیبت دیگری نکند و -3-

در منابع دینی، اصلی وجود دارد به نام اصالت صحت بدین مضمون که در ابتدای امر و بدون اطلاع قبلی از چون و چرای هر قضیه و ماجرا باید آن را حمل بر صحت و درستی نمود. امام علی می فرماید: «امر برادر دینیات را بر نیکوترین وجه قرار بده مگر آن که دلیل و

حجتی بر خلاف آن پیدا کنی و هیچ گاه نسبت به سخنی که از برادرت شنیده ای، بدگمان مباش، مادامی که می توانی آن را توجیه نیکویی کنی». ایشان همچنین ایشان در جای دیگری فرموده اند: «کسی که گمان خود را نیکو نساخته است، از همگان ترس و وحشت دارد»

درس سوم: اخلاق در خانواده

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج یک زن و مرد شکل می گیرد و با تولید و تکثیر فرزندان توسعه و استحکام مییابد. جوامع بزرگتر نیز از همین واحدهای کوچک تشکیل می شود و بشر از آغاز زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده و در همه زمانها و مکانها، بدان پایبند بوده و هست زن و مرد در کانون گرم و باصفای خانوادگی از نعمت انس و مودت و لذت جویهای مشروع زناشویی بهره مند می شوند و فرزندانی را تولید کرده و در تعلیم و تربیت آنان می کوشند و به عنوان بهترین آینده سازان و یادگار از خویشان باقی می گذارند اسلام برای تحقق اهداف ازدواج و تحکیم بنیان خانواده روی در امر تاکید دارد: یکی ایمان و دیگری اخلاق و به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می کند که دین و اخلاق همسر خود را نیز منظور بدارند. در روایات آمده است، مردی خدمت رسول خدا آمد و در امر ازدواج با ایشان مشورت نمود؛ آن حضرت فرمودند: «با زن دیندار ازدواج کند تاخیر فراوانی نصیب تو شود

رعایت اخلاق، عامل بقای خانواده

اسلام ازدواج را پیمانی مقدس می داند که در بین یک زن و مرد، به اعتبار اینکه دو انسان هستند، بسته می شود و مهم ترین هدفش تأمین نیازهای انسانی و آرامش و سکون و انس زن و مرد با یکدیگر است و حتی لذت جویی های مشروع جنسی و اشباع غریزه و تولید و پرورش فرزندان را نیز در راه تأمین هدف عالی انسانی محسوب می دارد.

قرآن در این باره می گوید: «و از نشانه های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید تا به سوی آنان آرامش بیابید و در میان شما محبت و دلسوزی قرارداد، همانا که در این موضوع برای اندیشمندان نشانه هایی است»

در آیه یاد شده زندگی خانوادگی بر دو پایه نیرومند مودت و رحمت استوار گشته است. یکی از پایه های ازدواج محبت و علاقه زن و شوهر نسبت به یکدیگر است یعنی خوبی ها و نقاط مثبت یکدیگر را مورد توجه قرار می دهند و از صمیم قلب همدیگر را دوست می دارد.

خانواده اخلاقی موفق

کانون مقدس خانواده به مثابه حریم الهی، ستودنی است. حرکت در این مسیر، توجه دائمی به حدود الهی را می طلبد. اما باید توجه داشت که رسیدن به این هدف تدریجی است و باید با عزمی راسخ در این مسیر حرکت کرد برای رسیدن به این هدف، مراحل گوناگونی پیش روی شما است که باید برای فهم آن به مطالب پیش رو، توجه کرد:

۱- تبدیل خانواده به یک خانواده موفق که زمینه رشد و شکوفایی، حداقل در سه جهت برای اعضای آن فراهم باشد و حرکت اصلی خانواده در مسیر رشد و کمال باشد.

الف: بعد عاطفی

یکی از مهم ترین ابعاد وجودی انسان عواطف و هیجانات اوست. رشد بعد عاطفی در واقع، زمینه ارتباطات فردی و اجتماعی افراد را فراهم می کند و عدم رشد عاطفی، باعث بروز انواع اختلالات عاطفی می شود که از جمله آنها، افسردگی و انزوایی است.

مهم ترین عاملی که در رشد عاطفی خانواده موثر است، ارتباط عاطفی والدین است. اگر در خانواده رابطه عاطفی، میان زن و شوهر، ارتباطی صمیمی توأم با دلسوزی و صداقت باشد، همه روابط بین اعضای خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد؛ مجموعه خانواده با یکدیگر روابط عاطفی سالم و سازنده دارند. در چنین شرایطی، خانواده علاوه بر اینکه از استحکام مناسبی برخوردار است، اعضای آن از نشاط و شادابی در روابط اجتماعی نیز برخوردارند و زمینه بسیاری از اختلالات عاطفی مانند افسردگی از بین میرود.

ب: بعد شناختی

خانواده باید شرایط رشد فکری و علمی اعضای خود را فراهم کند تا استعدادهای نهفته در هر کدام از اعضا در مسیر صحیح شکوفا شود و همه اعضاء خانواده از نظر علمی رشد لازم را داشته باشند. والدین، علاوه بر اینکه باید مراقب تحصیل فرزندان خود باشند، ارتباط بین خانه و مدرسه نیز باید حفظ شود. والدین با ارتباط با معلمان فرزندان، در همان سالهای اول پایه های علمی آنها را محکم کنند و استعداد آنها را کشف کنند تا در مسیر صحیح علمی و در رشته های متناسب با استعداد و ذوق و علاقه آنها را هدایت کنند.

ج: بعد اخلاقی و دینی

با توجه به این که باورهای دینی نقش بسیار مهمی در شکل گیری شخصیت انسان دارد و بر همه کارکردهای او در حوزه های فکری و عملی تاثیر می گذارد، خانواده باید شرایط رشد اخلاقی و معنوی فرزندان خود را بر اساس معیارهای دینی فراهم کند.

آشنایی کودکان از همان ابتدا با قرآن و معارف قرآنی، انجام رفتارهای سنجیده در مقابل چشم فرزندان، اهمیت دادن به انجام فرایض دینی مانند: نماز و روزه و سایر احکام معاشرت با خانواده های سالم: مراقبت از دوستان و همکلاسی های فرزندان ارتباط داشتن با مساجد و اماکن مذهبی تفریحات سالم؛ گردش های خانوادگی: اهتمام به ورزش و کارهای هنری مورد علاقه فرزندان و بستر سازی برای رشد معنوی اعضای خانواده از جمله ویژگی های یک خانواده موفق است.

۲- داشتن خانوادهای موفق و توراتی، مستلزم آگاهی و شناخت هر چه بیشتر از مسائل خانواده، مسائل تربیتی و اخلاقی آشنایی با روانشناسی کودک، نوجوان و جوان، مراحل رشد کودک و نوجوان و همچنین همت عالی و پشتکار در عمل کردن به راهکارها و مسئولیتها است

- برای تعالی و تحکیم خانواده، برخوردهای زن و مرد با هم بسیار تعیین کننده است. هرچه این رفتارهای بیشتر منطبق با موازین و دستورات اسلامی باشد، در نتیجه کانون مقدس خانواده، گرم تر از پیش می شود. - با همدلی، همفکری، همکاری و مشورت با یکدیگر باید درباره مسائل مختلف، میان اعضای خانواده روابط سالم پدید آورد.

- تشویق، تایید و بیان نکات مثبت، به طور آشکار و یا در جمع باشد و تذکر نکات منفی و انتقاد، به طور محرمانه و در تنهایی صورت گیرد

- خشونت همسر را نباید با خشونت پاسخ داد؛ بلکه خشونت را باید با سکوت پاسخ گفت و در موقعیتی مناسب درباره مسئله مورد نظر به بحث و گفت و گو پرداخت
- هر یک از زوجین باید بکوشد با روان شناسی همسرش آشنا شود تا بداند و به چه اموری بها می دهد و نظام ارزشی اش چگونه است. برای مثال: معمولاً زن به وابسته بودن، کسب امنیت عاطفی و مورد حمایت واقع شدن اهمیت میدهد و مرد می خواهد مستقل و خودمختار باشد و آزادی عمل را دارای ارزش می داند.
- خود را در برابر همسو، آراسته و پاکیزه و جالب توجه نگه دارد و از پریشانی و وضع تا مرتب بپرهیزد.
- در انتخاب دوست و برقراری روابط دوستانه و معاشرت های خانوادگی با زوج های دیگر، دقت کند و این امور را با توافق یکدیگر انجام دهند.
- از هرگونه رفتاری که به مردسالاری یا زن سالاری می انجامد، پرهیز شود.
- هرگز همسر خود را با زن یا مرد دیگر، مقایسه نکند.
- از رفتارهای مطلوب همسر، تشکر کرده او را تشویق کنند و انگیزه تکرار آن رفتار را بیشتر سازد.
- نکته پایانی الگوگیری از خاندان عصمت و طهارت : است. این نکته کلیدی را فراموش نکنیم که در تمام مراحل زندگی متوجه باشیم که آیا این رفتار ما مورد رضایت اهل بیت : است یا نه؟ این ملاک خوب و سنگ محکی حاضر در رفتار ما است و به ما قدرت تصمیم گیری می دهد.

بخش دوم: اخلاق اجتماعی

درس چهارم : احسان و نیکوکاری

اجتماع گرایی و انزوا طلبی

محققان با الهام گرفتن از کتاب و سنت و دلیل عقل، اصل زندگی انسان را به اجتماع گرایی میدانند و معتقدند که انسان موجودی اجتماعی است و تنها در سایه اجتماع می تواند به اهداف والای خود دست یابد. آنها معتقدند که گوشه گیری و انزوا طلبی که با فطرت انسان سازگار است و نه با روح تعلیمات اسلام دست خدا را با جماعت میدانند و جدا شدن از صفوف مسلمین را سبب نفوذ شیطان، به حساب می آورده نمودهایی از آیات قرآن را در این زمینه، بر می شمیریم

۱- در آیه ۱۰۳ سورة آل عمران می فرماید: «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت

خدا را به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل های شما الفت ایجاد کرد و برکت نعمت او، با هم برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید؛ خدا شما را از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید»

۲- در آیه دیگری می فرماید: «کسی که بعد از آشکار شدن حق با پیامبر مخالفت کند و از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند ما او را به همان راه که می رود، می بریم و به دوزخ داخل می کنیم و جایگاه بدی دارد

۳- در سوره انفال، آیه ۶۷ و ۶۲ می فرماید: «او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد و دل های آنها را با هم الفت دارد. اگر تمام آن چه بر روی زمین است، صرف می کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی توانستی ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد؛ چرا که او توانا و حکیم است»

در موارد بسیاری، قرآن کریم بر این مساله تاکید کرده است و این آیات، اجتماع و توجه به وحدت را از مسائل مهم جامعه اسلامی به شمار می آورند

اجتماع گرایی و انزوا طلبی در روایات اسلامی

یک نگاه اجمالی به تعلیمات اسلام در زمینه های مختلف، به خوبی نشان می دهد که همه جا اسلام طرفدار جماعت است و حتی عبادات اسلامی که رابطه میان خلق و مخلوق است به صورت دست جمعی انجام میشود. نماز جماعت و از آن فراتر، نماز جمعه و از همه فراتر اجتماع میلیونی حج عباداتی هستند که به طور کامل جنبه اجتماعی دارند.

در روایات اسلامی تاکید فراوان بر لزوم جماعت و همراهی و همگامی با آن شده است؛ از جمله :

- در حدیثی از پیامبر اکرم می خوانیم که فرمودند: ای مردم بر شما است که از جماعت جدا نشوید و از جدایی و پراکندگی بپرهیزید»
- در حدیث دیگری از ایشان نقل شده که فرمودند: «اجتماع، رحمت است و پراکندگی، عذاب»

احسان و نیکوکاری

یکی از اصول حاکم بر رفتار مؤمن، احسان و نیکی است. در آیات متعدد خداوند متعال بر این مساله تاکید کرده است؛ از جمله :

- «و در راه خدا اتفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید و تیکی کنید که خدا، نیکوکاران را دوست

میدارد»

- «همنانکه در وسعت و تنگی، اتفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خدا نیکوکاران را

دوست می دارد»

- «در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان، فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم، باز میدارد»

البته این دستور، ویژه اسلام نیست؛ بلکه خداوند متعال، پیروان دیگر ادیان را نیز بدین فضیلت سفارش نموده است:

- «و چون از فرزندان اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید»

در سخنان پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت نیز بر احسان، بسیار تاکید شده است

- امام صادق به نقل از پیامبر اسلام می فرمایند: آیا شما را خبر دهم که بهترین عمل در دنیا و آخرت چیست؟ بخشودن کسانی که به تو ستمی روا داشته اند و نیکی به کسانی که به تو بدی کرده اند و عطا کردن به کسی که از تو مالی را دریغ کرده است

- امام علی می فرمایند: «کریم، آن است که به دیگران احسان کند»

مفهوم احسان

احسان در لغت به معنای نیکی کردن است. این واژه گاهی در مورد چگونگی و نوع کاری که فرد انجام می دهد، به کار میرود و گاهی نیز در مورد نوع تعامل فرد با دیگران، استفاده میشود. در مورد اول، احسان یا به معنای انجام کار خوب است یا به معنای خوب انجام دادن کار. اما در مورد دوم به معنای انجام دادن کاری برای دیگران، بدون چشم داشت است. تفاوت احسان با عدل نیز در همین است. عدل به این معناست که حق هر صاحب حقی ادا شود، به این بیان که اگر کسی به شما نیکی کرده شما در مقابل به همان اندازه به او نیکی کنید؛ اما احسان آن است که برای دیگری کاری انجام دهید، اما نه در برابر کاری که او برای شما انجام داده است.

مصادق های احسان به مردم

۱- کمک به مردم در هنگام سختیها

حضرت امام جعفر صادق می فرماید: «کسی که به فریاد برادر مومن، درمانده و سر در گریبان خود، در هنگام شدت گرفتاری اش، برسد و ناراحتی او را برطرف و او را یاری کند تا به خواسته خود برسد، خداوند در برابر این کار برای او هفتاد و دو رحمت الهی مینویسد. یکی از این رحمتها در دنیا شامل حال او می شود و امر معیشت او را اصلاح می کند و هفتاد و یک رحمت دیگر برای آخرت او برای سختی های روز قیامت، ذخیره می شود»

۲- رفع نیازمندی های مردم

حضرت امام موسی کاظم می فرماید: خداوند در روی زمین بندگانی دارد که برای رفع نیازمندی های مردم می کوشند؛ اینان در روز قیامت در امان هستند. کسی که مومنی را شاد کند، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می کند»

۳- گرامی داشتن مومنان

حضرت امام جعفر صادق فرموده اند: «کسی که برادر مسلمان خود را با سخنی ملاطفت آمیز و با رفع مشکلش گرامی بدارد، تا هنگامی که در این حال است، در سایه رحمت خداوند قرار دارد»

آثار احسان

۱- همراهی خداوند

بر اساس برخی از آیات، خداوند همواره همراه نیکوکاران است و آنها را در مشکلات، یاری می کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «خدا با کسانی است که پروا داشته اند و کسانی که آنها نیکوکاراند»

۲- محبوبیت

کسی که به دیگران نیکی کند، محبوب آنها می شود. حضرت علی می فرماید: «آن که احساس زیاد شود، مردم او را دوست میدارند»

۳- بزرگی و عظمت

مولای متقیان، امام علی می فرماید «بزرگی و بلندی مرتبه با احسان است»

۴- جلب نعمت و دفع بلا

امام علی در این زمینه می فرماید: «نیکی، نعمتها را جاری و بلاها را دفع می کند».

۵- اصلاح دشمنان

بر اساس مبانی دینی بهترین راه برای مقابله با بدی های دیگران نیکی کردن است؛ زیرا این کار موجب از بین رفتن دور بطل خشونت شده و از سویی، دشمن نیز به خود آمده و از کردهای خود پشیمان می گردد.

امام علی ۷ می فرماید: «نیکی کردن تو به دشمنان و حسودی که با تو حيله کرده اند، برای آنان بسیار ناراحت کننده تر از زشت کاری تو به آنها است و این کار آنان را به اصلاح فرا می خواند»

رابطه مؤمن با مؤمنان دیگر

یکی از مسائل اخلاقی نوع رابطه انسانها با یکدیگر است. خداوند انسانها را برای یکدیگر نعمت قرار داده است. آنها باید در یکدیگر تأثیر و تأثر داشته باشند. هر یک، به دیگری نفعی در جهت تکامل فرد مقابل برساند. بنابراین انسانها باید با یکدیگر تعامل داشته باشند تا هدف زندگی اجتماعی تأمین گردد اگر بنا باشد که همه افراد، عبوس و خشن باشند، طبیعی است که الفتی بین آنها برقرار نمی شود. از طرف دیگر انسان باید آن قدر نرم و منفعل باشد که هیچ مقاومتی در مقابل دیگران نداشته باشد.

لذا انسان باید به گونه ای رفتار کند که هم مردم با او، با رغبت تعامل داشته باشند و از طرفی کاملاً هم در اختیار دیگران نباشد تا از تفکر عبادت و زندگی خود باز نمانده مطابق روایات، همه مردم در مقابل خدا و قانون مساوی هستند، اما این جمله به آن معنا نیست که سلسله مراتبی که در روابط اجتماعی و طبق مصالح جامعه اسلامی برقرار است، رعایت نشود.

افرادی که در رتبه های بالاتر به لحاظ موقعیت شغلی و اجتماعی قرار دارند، نباید به زیردستان خود ظلم و ستم کنند و به آنها پرخاش نمایند یا آنها را مورد تمسخر قرار دهند و از طرف دیگر افرادی که در رتبه های پایین تری قرار دارند، نباید احساس حقارت کرده و همچنین باید رفتار محترمانه ای داشته باشند.

عفو و گذشت

عفو و گذشت یکی از مکارم اخلاقی است که در منابع دینی به آن سفارش شده است

خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اکرم را به گذشت از آزار و اذیت‌های اهل کتاب، فرا می خواند: بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شده از روی جسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را بعد از ایمانتان، کافر گردانند. پس عفو کنید و درگذرید، تا خدا فرمان خویش را بیاورد که خدا بر هر کاری تواناسته در برخی آیات، خداوند متعال به صراحت مومنان را به عفو و گذشته امر می کند: نباید عفو و گذشت نمایند، مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟ و خدا آمرزنده مهربان است»

در روایات اهل بیت: نیز بر این مفهوم، سفارش شده است. نبی مکرم اسلام می فرماید: «به مکارم اخلاق توجه کنید که خداوند مرا برای آنها برانگیخت و برخی از مکارم اخلاق، آن است که آدمی کسی را که به او ستمی کرده است، ببخشد؛ به کسی که از او دریغ کرده، اعطا کند؛ با کسی که رابطه اش را با او قطع کرده، رابطه برقرار کنند و آن که از او عیادت کرده عیادت کند»

امام علی می فرماید: «بدترین مردم، کسی است که از لغزشها نمی گذرد و عفو نمی کند و عیوب مردم را نمی پوشانده

همچنین ایشان می فرماید: «انتقام جویی را رها کن که از بدترین کارهای افراد قدرتمند است»

مفهوم عفو

عفو به معنای بخشیدن خطای خطاکار و تنبیه نکردن او و معادل گذشت کردن در فارسی است.

اقسام عفو

فضیلت عفو و گذشت و ترک انتقام جویی به عنوان یک اصل از نظر شرع و عقل و کتاب و سنت جای تردید نیست، اما این بدان معنا نیست که استثنایی نداشته باشد؛ بلکه مواردی پیش می آید که عفو و گذشت سبب جرأت جانیان و جسارت خاطیان می شود. به یقین، هیچ کس عفو و گذشت را در این گونه موارد، عفو و گذشت نمی شمارد، بلکه برای حفظ نظم جامعه و تهی از منکر و پیشگیری از تکرار جرم، باید از عفو، صرف نظر کرد و به مجازات عادلانه پرداخت.

به هر حال عفو و مجازات، هر کدام جای ویژه ای دارد. عفو در جایی است که انسان، قدرت انتقام و مقابله به مثل دارد و اگر راه عفو را پیش می گیرد، از موضع ضعف نیست؛ این گونه عفو، مفید و سازنده است؛ هم برای مظلومی که به پیروز شده؛ زیرا سبب صفای دل و تسلط او بر هوای نفس می شود و هم برای ظالمی که مغلوب گشته؛ زیرا او را به اصلاح خویشتن و امیدارد.

نباید وجود این گونه استثناءها سبب سوء استفاده گردد و هر کس به بهانه اینکه عفو و گذشت، سبب جرأت و جسارت بدکاران و خاطیان است، به انتقام جویی بپردازد؛ بلکه باید از روی خلوص و عدم تعصب موارد استثناء از اصل عفو و گذشت را با دقت شناخت و طبق آن عمل کرد.

این نکته نیز شایان توجه است که عفو و گذشت از اجرای حدود و تعزیرات شرعیه جز در مواردی که مطابق روایات منصوص، استثناء شده است، جایز نیست؛ چرا که اجرای حد و تعزیر در جای خود، از واجبات است

درس پنجم: حدود دوستی

دوستی و رفاقت در اسلام

یکی از عوامل مهم تربیت انسان، محیط است. انسان معمولاً در چند محیط خانوادگی، آموزشی، مذهبی، رفاقتی و شغلی تربیت می گیرد که بحث ما اکنون درباره محیط رفاقتیه است که انسان، در آن ساخته می شود.

بعد از محیط خانوادگی و محیط آموزشی، انسان در محیط رفاقتی است که تاثیر می پذیرد و در آن ساخته می شود.

ابتدا چند نکته درباره محیط رفاقتی و روابط دوستانه مطرح میشود:

۱- محیط رفاقتی نسبت به دو محیط گذشته دارای اثرگذاری قوی ای است و غالباً به گونه ای است که به نوعی بر روی تاثیرات محیطهای دیگر تربیتی اثر می گذارد. روشی که انسان در این محیط می گیرد، می تواند روش های دیگر را از بین ببرد.

۲- در قیامت این پیوند رفاقتی به پیوند دیگری تبدیل می شود. به تعبیر دقیق تر اینطور نیست که این پیوند گسسته شود بلکه تبدیل می شود. گاه این گونه است که دو نفر که با هم رفیق هستند رابطه شان گسسته می شود و از هم جدا می شوند، اما در قیامت این طور نیست؛ پیوند حسبی، نسبی و خانوادگی در قیامت قطع می شود، اما پیوند رفاقت اینطور نیست. طبق آیات قرآن کریم همه دوستان در روز قیامت با یکدیگر دشمن میشوند جز رفاقتهایی که محور شان تقوا بوده است.

۳- رفاقت و دوستی میان دو نفر در صورتی شکل می گیرد و استوار می شود که هر دو هم جهت باشند، مانند: ازدواج که اگر زن و شوهر هم کفو تباشند، زندگیشان در یک جایی به بن بست می رسد و تمام میشود. پایداری دوستی و ازدواج به این است که در مسیر زندگی هم جهت و هم مقصد باشند. اگر یکی هدفش خدا باشد و دیگری دنیا، این دوستی پایدار نیست و در یک نقطه ای در همین دنیا پایان می گیرد و به آخرت کشیده نمیشود.

فلسفه دوستی در اسلام

به طور کلی هر پیوندی، یک سبب می خواهد. باید چیزی به عنوان محور رفاقت باشد تا دو نفر، با هم رفیق شوند. دو نفر که در خیابان راه می روند، یک دفعه باهم رفیق نمی شوند؛ عامل و وجه مشترکی باید باشد، تا آنها را به هم ربط دهد. به طور خلاصه، آن چیزی که می خواهد محور قرار بگیرد و سبب این پیوند بشود با یک امر مادی است و یا یک امر معنوی.

کار دین و معنویت اسلام این است که انسان ها را به سوی وحدت و خدای واحد بخواند و حرکت دهد و تلاش تکاملی انسان نیز در حقیقت، حرکت و سلوک از کثرت به وحدت است. فلسفه دوستی از نظر اسلام هم همین است که دو نفر در این مسیر به وحدت برسند و برای رسیدن به خداوند به هم کمک کنند رفیق راه باشند؛ با هم تلاش کنند تا عیبهای یکدیگر را در این مسیر رفع نمایند؛ از هم در برابر دشمنان خدا دفاع کنند و همدل و همراه هم باشند. یعنی در حقیقت محور دوستی دو نفر با چند نفر از نظر اسلام، راه خداوند و توحید گرایي است. اگر در دوستی محور خدا بود، دوستان با هم متحد میشوند و اختلافی بروز نمی کند و بینشان صفا و صمیمیت حاکم می شود، ولی اگر محور، دنیا و کثرات دنیا باشد؛ اگر منافع مادی حاکم شد؛ خودخواهی بروز می کند و ریشه اختلاف و دشمنی، در همین خودخواهی و منفعت طلبی است؛ لذا در آخرت هم همین تشنت و دشمنی بروز خواهد کرد. امام صادق در باب دوستی یک قانون کلی را مطرح می فرمایند: «آگاه باشید! هر دوستی و رفاقتی که در دنیا بر محور معنویت نباشد (در غیر راه خدا باشد)، در روز قیامت تبدیل به دشمنی می شود».

بخش سوم: اخلاق اداری

درس ششم: جایگاه کار در اسلام

اخلاق و معیشت

خداوند متعال در قرآن کریم تقوای الهی را یکی از عوامل گشایش و وسعت رزق دانسته و می فرماید: «اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمانها و زمین را بر آنها می گشودیم، ولی تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم»

همچنین در سوره مبارکه طلاق، آیات ۳ و ۴ میفرماید: «و هر هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می رساند و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند. خداوند، فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی، اندازه ای قرار داده است»

در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد، به عنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است

پیامبر اکرم در سفارش خود به ابوذر غفاری، به این مطلب اشاره کرده و می فرماید: «ای ابوذر! به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه از روزی خود محروم می شود»

در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم: «گنجهای رزق، در اخلاق خوب نهفته است».

لذا با توجه به آیات و روایات می توان به این نتیجه رسید که تقوا و رعایت اخلاق اسلامی در کار با افزایش روزی رابطه مستقیم دارد.

نقش کار در تربیت و بهداشت روانی

امام علی می فرماید: «اگر تو نفس خود را به کاری مشغول نسازی، او تو را مشغول خواهد کرد»

نفس انسانی و به ویژه قوه خیال آدمی، به گونه ای است که اگر بیکار باشد، انسان را به تباهی و فساد خواهد کشاند. اما کار و فعالیت موجب می شود، نفس مجال چندانی برای به انحراف کشاندن انسان نیابد.

اصولا یکی از مهم ترین علل ارتکاب گناه، بیکاری است انرژی های انسان باید به گونه ای صحیح مصرف شوند که اگر این انرژیها راه درستی برای مصرف نداشته باشند، در راه های انحرافی و نادرست صرف خواهد شد. اشتغال مانع پیدایش افکار و خیالات شیطانی نیز می شود. تولتره یکی از دانشمندان غربی عصر روشنگری، می گفت: «هر وقت احساس می کنم که درد و رنج بیماری می خواهد مرا از پای درآورده به کار پناه می برم کار بهترین درمان دردهای درونی من است. همچنین «پاسکال» که یکی دیگر از دانشمندان غربی است، اعتقاد داشت: مصدر کلیه مقاسد فکری و اخلاقی، بیکاری است» هر کشوری که بخواهد این عیب بزرگ اجتماعی را رفع کند، باید مردم را به کار وادار کند، تا آن آرامش عمیق روحی که عده معدودی از آن آگاه هستند، در عرصه وجود افراد برقرار شود.

وجدان کاری

در قرآن کریم واژه «وجد» و مشتقات آن در معنی یافتن، و دیدن، اطلاع و آگاهی و رسیدن، مورد استفاده قرار گرفته است و به عنوان نفس لواحه نیز تعبیر شده که با انجام کار زشته انسان را نکوهش می کند.

در زبان فارسی وجدان در لغت به کسر «واو» است ولی در استعمال مردم ایران و همچنین عراق به ضم «واو» تلفظ میشود و به معنای یافتن، شعور باطن و به عنوان قوهای در باطن شخص است که وی را از نیک و بد اعمال آگاهی میدهد.

با بررسی لغوی واژه وجدان، آن چه مورد نظر است ترکیب دو واژه دوجدان و «کاری» است که در اصطلاح مدیریت، می توان تعریق زیر را برای آن در نظر گرفت: وجدان کاری عبارت است از احساس تعهد درونی به منظور رعایت الزاماتی که در ارتباط با کار، مورد توافق قرار گرفته است.

به بیان دیگر منظور از وجدان کاری، رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظیفههایی است که قرار است انسان، آن را انجام دهد، به گونه ای که اگر بازرسی و ناظری نیز بر فعالیت نظاره گر نباشد، باز هم در انجام وظیفه قصوری روا نخواهد داشت. چگونه می توان کم کاری، عدم احساس مسئولیت، حضور نیافتن در محل کار، عدم پاسخگویی و راهنمایی صحیح مراجعان، مراقبت نکردن صحیح از اموال، بی توجهی به کیفیت کار و گرایش به آسان طلبی را به رضایت شغلی و انجام کار با کیفیت بالا و مطلوب و حضور موثر در محل کار، تبدیل کرد؟

به این موضوع نیز باید توجه شود که چگونه می توان برای ایجاد یک سیستم مطلوب، یک معنای مشترک را در میان همکاران به وجود آورد؟

نیروی انسانی ما به تقویت وجدان کاری و تغییر در فرهنگ کار نیازمند است؛ چرا که نیروی انسانی متعهد، سازمان را در دستیابی به اهداف خود یاری می دهد. البته تعاریف دیگری نیز از وجدان کاری موجود است که تعدادی از آنها را در زیر می آوریم

- وجدان، عبارت است از استعدادی که به تشخیص نیک و بد پرداخته و برای امور ارزش قائل است و نیک و بد را از هم فرق گذاشته و برای ما نوعی الزام عملی ایجاد می کند.

- وجدان کاری، عبارت است از مجموعه عواملی که در فرد سازمانی، نظام ارزشی به وجود می آورد.

در صورت دارا بودن بالاترین حد وجدان کاری می توان جامعه ای را تصور کرده که در آن افراد در مشاغل گوناگون سعی دارند تا کارهای محوله را به بهترین وجه و به طور دقیق و کامل و با رعایت اصول بهینه سازی انجام دهند، پس وجدان کاری، موجب می گردد تا افراد، سیستمی و نظام مند گردند.

ضرورت اخلاق اداری

اگر اخلاق اداری در زندگی انسان وجود و حضور داشته باشد، کار کردن شیرین و توأم با رضایت شغلی و احساس رضایتمندی و خودشکوفایی از یک سو و رضایت مردم و پیشرفت امور و شکوفایی کار از دیگر سو است و در نتیجه موجب رضایت خالق و بارش رحمتها و برکتها می شود.

خطرناک ترین رویداد انسانی، انحطاط اخلاقی و شکسته شدن مرزهای اخلاقی است که در این صورت هیچ چیز به سلامت نخواهد ماند و انسانیت انسان، فرو می ریزد و این امر در امور اداری از جایگاهی خطیر و ویژه برخوردار است؛ زیرا وقتی انسان از محدوده فردی خارج می شود و در پیوند با دیگر انسان ها قرار می گیرد و این پیوند صورتی اداری می یابد، اگر اخلاق نیک، حاکم بر روابط انسانی نباشد، فاجعه چندین برابر می شود؛ به همین دلیل است که بالاترین ملاک در هر سازمان اداری، متخلق بودن افراد به اخلاق انسانی است.

از منظر امیر مومنان علی، آنچه مایه برتری آدمیان و سبب والایی ایشان است، کرامت‌های اخلاقی است و این کرامت‌ها در اداره امور، نقشی اساسی دارد و روایت شده که آن حضرت فرمودند: «بر شما باد به مکارم اخلاق که آن سبب والایی است»

کسانی که در جایگاه اداره امور قرار می‌گیرند، بیش از هر چیز به مکارم اخلاق و بزرگواری‌های انسانی نیازمند هستند، زیرا روابط انسانیها بدون کرامت اخلاقی، روایتی خشک و تادرست خواهد شد.

نگاه به کار و مسئولیت

نوع نگاه انسان به کار و مسئولیت از امور مهم اخلاق مطلوب اداری است. کسی که کار و مسئولیت را امانت ببیند و آن را وسیله عزتمندی و سرمایه شکوفایی خویش بداند، از کار کردن احساس رضایت و خشنودی و خودشکوفایی می‌کند و همین امر باعث بهبود اخلاق اداری می‌شود. امیر مؤمنان، در آموزش‌های اخلاق اداری، کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری را در این جهت آموزش میداد؛ چنانکه در نامه‌ای به اشعث بن قیس استاندار آذربایجان چنین فرموده است: همانا کاری که به عهده‌توست، طعمه برای نیست؛ بلکه امانتی است بر گرفت و آن که تو را بدان کار گمارده، نگهداری امانت را به عهده‌ات گذارده و تو پاسخگوی آن هستی، نسبت به آن که فردا دست‌توست. این حق برای تو نیست که در میان مردمان به استبداد و خودرأیی عمل تمایی و به کاری دشوار، جز با دستاویز محکم، درآیی»

توجه به درستی عمل و دقت در خوب انجام دادن امور، حقی است، برای نفس کار و مسئولیت و هر که در ادای چنین حقی کوتاهی روا دارد، باید پذیرای تبعات منفی آن در روح و روان خویش، گذشته از جوانی و نتایج دیگر، باشد. امام علی فرمودند: «هر که در کاره کوتاهی ورزد، دچار اندوه گردد»

نگاه به مردم

اخلاق اداری مطلوب، زمانی سازمان می‌یابد که کارکنان نظام اداری، به مردم از منظر درست بنگرند و خود را کارگزاری خزانه داری وکیل و خدمتگزار مردم ببینند؛ در این صورت است که اخلاق سازمانی مطلوب، ظهور می‌نماید. امام علی در این باره به کارگزاران خود چنین آموزش داده است: «داد مردم را از خود بدهید و در برآوردن حاجتهای آنان شکیبایی ورزید که شما خزانه دار رعیت هستید و امت را وتلا و امامان را سفیران. حاجت کسی را تا کرده مگذارید و او را از آنچه مطلوب اوست، بازمدارید»

کارکنان اداری، زمانی به درستی می‌توانند انسان را پاس بدارند که داد مردم را از خویش بدهند و در رفتار با آنان شکیبایی داشته باشند و با ایشان طلبکارانه برخورد نمایند و خود را وکیل و خزانه دار آنان ببینند و احساس کنند که به موکلان خود پاسخ می‌گویند و فلسفه وجودیشان در نظام اداری، خدمتگزاری به مردم است. خطرناکترین آفت اخلاق سازمانی و تباه‌کننده ترین عامل رفتار انسانی این است که کارگزاران و کارکنان نظام اداری، از بالا به پایین به مردم بنگرند و خود را بر آنان مسلط ببینند و در اداره امور خود را فرمانروا تصور نمایند و اراده فرمانروایی کنند.

در نظام اداری آن چه باید در رأس مناسبات و رفتارها، حاکم باشد، حرمت نگه داشتن مردم و پاسداری از حقوق ایشان است.

درس هفتم: اخلاق کاری

وظایف کارمند در برابر همکاران

1- صمیمیت

محیط اداری، محیطی مقدس برای خدمت گذاری است؛ از این رو مناسب است، سرشار از مهر، دوستی و عاری از هر گونه کینه ای باشد تا زمینه بهره مندی از الطاف الهی فراهم آید.

بی شک اختلاف سلیقه و اختلاف عقیده در میان کارکنان یک محیط اداری، امری طبیعی است، ولی مهم آن است که اختلاف سلیقه ها نباید به لجاجت و کارشکنی در امور بیانجامد و کینه و نفرت جای مهر و محبت را بگیرد.

اگر اینگونه نباشد، ادامه کار برای خود کارمند نیز ممکن نخواهد بود. شهید مطهری در کتاب داستان راستانه، حکایتی بسیار آموزنده، از صفا و صمیمیت دو همکار، نقل می کند که چنین است: «صفا و صمیمیت و همکاری صادقانه هشام بن الحکم» و «عبدالله بن یزید اباضیه مورد اعجاب همه مردم کوفه شده بود. این دو نفر، ضرب المثل دو شریک خوب و دو همکار امین و صمیمی شده بودند. این دو با شراکت یکدیگر، یک مغازه خرازی داشتند. جنس خرازی می آوردند و می فروختند. تا زمانی که زنده بودند، میان آنها اختلاف و مشاجره رخ نداد. چیزی که موجب شده این موضوع زبان زد عموم مردم شود و بیشتر موجب اعجاب خاص و عام گردد، این بود که این دو نفر از لحاظ عقیده مذهبی در دو قطب کاملاً مخالف قرار داشتند؛ زیرا هشام از علما و متکلمین سرشناس شیعه امامیه و یاران و اصحاب خاص امام جعفر صادق و معتقد به امامت اهل بیت بود، ولی عبدالله بن یزید از علمای اباضیه (یکی از فرقه های شش گانه خارج) بود

آن جا که پای دفاع از عقیده و مذهب بود. این دو نفر در دو جبهه کاملاً مخالف قرار داشتند؛ ولی آنها توانسته بودند تعصب مذهبی را در سایر شئون زندگی دخالت ندهند و با کمال متانت، کار شراکت و تجارت، کسب و معامله را به پایان برسانند. عجیب تر، این که بسیار اتفاق می افتد که شیعیان و شاگردان هشام، به همان مغازه می آمدند و هشام اصول و مسائل تشیع را به آنها می آموخت و عبدالله از شنیدن سخنانی بر خلاف عقیده مذهبی خود، ناراحتی نشان نمیداد. همچنین اباضیه می آمدند و در جلوی چشم هشام، تعلیمات مذهبی خودشان را که غالباً علیه مذهب تشیع بود، فرا می گرفتند و هشام ناراحتی نشان نمیداد».

۲- مشورت

از جمله وظایف متقابل کارمند نسبت به همکاران، می تواند مشورت در اموری باشد که در رابطه با آن اطلاعات مناسبی ندارد؛ زیرا امروزه به سبب گستردگی و پیچیدگی امور، نیاز به همفکری، بیش از گذشته احساس می شود.

در محیط اداری، کارمندان ممکن است به تنهایی توان حل همه مسائل را نداشته باشند و در عمل دچار اشتباه شوند. بهره گیری از شیوه مشورت در محیط اداری، رویکردی است که می تواند کاستیها را جبران و از میزان خطاها بکاهد.

از سوی دیگر مشورت، از شیوه هایی است که در آموزه های آسمانی اسلام بدان تاکید شده است؛ امام علی درباره مشورت می فرماید: «هر کس تنها به رأی خود اکتفا کرد، به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل های آنها شریک شد»

بی شک هر چه روابط در محیط اداری مناسب تر و دوستانه تر باشد، فرصتهای بیشتری برای مشورت فراهم خواهد آمد و همکاران صمیمی می توانند با هماهنگی بیشتر، ارائه طرح ها و پیشنهادهای سازنده، فرصت خدمت رسانی بیشتری برای مردم فراهم آورند.

البته نباید فراموش کرد که مشورت با همکاران زیردست نیز، می تواند راهگشا باشد. با این کار، آنان نیز احساس شایستگی می کنند و تلاششان برای رسیدن به اهداف، دو چندان خواهد شد؛ ولی وقتی احساس کنند که سرپرست، به دیدگاه های درست آنان اعتنا نمی دارد، ممکن است به انزوا کشیده شوند و از اظهارنظرهای ضروری نیز، خودداری کنند.

۳- احساس تعهد

در دین مبین اسلام همه مومنان، با هم برادر و برابرند و نسبت به هم تعهد اخلاقی و دینی دارند؛ چنان که رسول خدا در جمله ای زیبا می فرماید: «مؤمن، آینه مؤمن است (و) مؤمن، برادر مؤمن است». همچنین ایشان در فرازی دیگر مومنان را به بنای مستحکمی تشبیه می کند که استحکام آنها در گرو پایداری همدیگر است.

از این رو شایسته است در یک محیط اداری اسلامی نیز، کارمندان محترم رویه برادری اسلامی را تقویت کنند و نسبت به سرنوشت همدیگر حساس باشند. همچنین با احساس وظیفه دینی و اخلاقی در گرفتاری های کنار هم و یار و یاور یکدیگر باشند؛ همدیگر را از اشتباهات و لغزشها بازداشته؛ از احسان و نصیحت و رساندن تقع به هم، حفظ آبرو و در یک کلمه آدای دین نسبت به هم، دریغ نکنند و به تعبیر رسول خدا در همه حال، یاور هم باشند: «برادر خود را یاری کن، چه ستمگر باشد و چه ستم دیده؛ اگر ستمگر است، او را از ستم برادر و اگر ستم دیده است، او را یاری کن»

بهتر است بدانیم که در حال حاضر، کارمندانی هستند که مرتکب تخلفات اداری شده اند و عمر خود را در کنج زندانها می گذرانند و اگر دوستان همکار ایشان، با دیدن نخستین تخلف، به جای چشم پوشی، سکوت و بی تفاوتی از روی خیرخواهی و تعهد آنها را از اعمال ناپسند باز می داشتند، بی شک آنان هم اکنون گرفتار چنین مشکلاتی نمیشدند.

۴- پرهیز از حسادت

حسادت، بدخواهی برای دیگران است که از پست ترین صفات اخلاقی و بدترین بیماری های نفسی به شمار می رود. حسادت عامل بسیاری از گناهان و مفاصد در جوامع شهری است که باید گفت در محیط های اداری به سبب وجود زمینه های موفقیت پیشرفت و ارتقای همکاران، چه از نظر امور مادی و چه از نظر امور اخلاقی، می تواند بروز کند و برای کارمند و محیط اداری مشکل آفرین باشد. بنا به فرموده امام علی: حسادت بر دوست، از آفات دوستی است؛ از این رو کارمند مسلمان، باید خود را از این صفت پست، دور سازد و از موفقیت های همکار و دوست خود در کارهای مثبت، خرسند گردد و تلاش کند تا او نیز با بهره گیری از تجربیات موفق همکاران خود و امید به خدا، در کارها پیروز باشد نه اینکه با دلایل بی مورد کوتاهی خود را توجیه کند.

وظایف کارمند نسبت به زیر دست

۱- الگو بودن

همانگونه که کارمندان و کارگزاران نسبت به افراد مافوق وظایفی دارند، نسبت به افراد زیر دست و چگونگی عملکرد آنان مسئول هستند و هرگونه سهل انگاری و بی تفاوتی نسبت به این مسئله پیامدهای زیانباری به همراه خواهد داشت. نخستین وظایف یک مدیر مسلمان نسبت به افراد زیر دست خود الگو بودن است. مدیران، خواسته یا ناخواسته، تمامی کارها، گفتار و حرکاتشان مورد توجه افراد زیر دست خواهد بود؛ از این رو بهتر است نه تنها رفتار و عملکرد با آنها در نهایت ادب و احترام باشد و آنان را به فعالیت بیشتر و کارهای بهتر تشویق کند؛ افزون بر آن، باید در حفظ حریم گفتار و دستورها پایبند و عامل باشد. او باید با پرهیز از کج روی ها و با عمل خود، حرمت قانون را نگه دارد تا در گام بعدی از دیگران، انتظار اجرای این قوانین را داشته باشد؛ زیرا تاثیر رفتاری و الگوی مسئولان و مدیران، انکار ناشدنی است؛ چنان که امام علی می فرماید: «مردم به امیران خود شبیه ترند، تا به پدران خود»

۲- تقسیم کار مناسب

تقسیم کار، تقسیم مسئولیت است و تقسیم مسئولیت، حدود و وظایف هر شخص را مشخص می کند؛ به گونه ای که باید درباره عملکردش پاسخگو باشد. امام علی در نامه ای به فرزندش امام حسن، اهمیت تقسیم کار را چنین بیادآور می شوند: «کار هر کدام از خدمتکارانت را معین کن که او را در برابر آن مسئول بدانی که تقسیم کار سبب می شود، کارها را به یکدیگر وا نگذارند و در خدمت، سستی نکنند».

با توجه به این فرمایش ارزشمند و نقش تقسیم مسئولیت در پیشرفت کار، یکی دیگر از وظایف مدیران، تقسیم کار مناسب، میان افراد تحت سرپرستی است. بی شک با تقسیم کار مناسب، بدون آنکه کسی دچار سختی شود، می توان مسئولیت های بزرگ را میان کارکنان تقسیم کرد. با همه سودهای تقسیم کار، مانند: سرعت بخشی، تجربه و تخصص اندوزی، نظم و ممکن است در اثر انجام کار یکنواخت و مداوم، ضمن غالب شدن خستگی و تنبلی بر کارکنان، روحیه نوآوری و ابتکار نیز به مرور در انسان به فراموشی سپرده شود و قوه اندیشه از او گرفته شود. برای پیشگیری از این حالت بهتر است، به هر یک از کارکنان، کاری متناسب با تخصص و سلیقه او سپرده شود که در این صورت چنین شخصی از کارش لذت خواهد برد.

3- انتقاد پذیری

مسئول یک اداره یا سرپرست یک بخش، هرگز نباید خود را معصوم بپندارد، زیرا گاهی ممکن است در کارش کاستی باشد که خودش تاکنون به آن توجهی نداشته است. بنابراین برای آگاهی و پیشگیری از پیامدهای احتمالی لازم است، روحیه انتقاد کردن را در افراد تحت سرپرستی در محیط اداری تقویت کند؛ به گونه ای که جرات داشته باشند، عیبهای او را به جا و با رعایت حدود و شرایط بیان کنند؛ زیرا منتقد، با نظر به اعمال دیگران، خوب و بد آنها را تشخیص می دهد و آنها را از یکدیگر جدا کرده و بدی های شخص مورد نظر را بیان می دارد، تا اعمالش خالص گردد.

اگرچه انتقادپذیری به دلایل گوناگون سخت می نماید، ولی آگاهی از فواید انتقاد به جا و درست سبب می شود که انسان به هر شکل ممکن، آن را تحمل کند.

4- پرهیز از تبعیض

ممکن است در یک محیط اداری، افراد تحت سرپرستی بنا به موقعیت و مسئولیت شغلی، نزد مسئول اداره منزلت و جایگاه ویژه ای داشته باشند؛ ولی این گونه معیارها نباید سبب شود که مسئول، در نوع نگاه و رفتار، رعایت ادب و اتفاق هایی که ممکن است برای افراد تحت سرپرستی پیش آید، تفاوت قائل شود. رسول گرامی اسلام درباره پیامدهای تبعیض با افراد تحت سرپرستی می فرماید: «هر کس بر ده نفر سرپرستی کند و در میان آن ها به عدالت رفتار ننماید، روز قیامت می آید، در حالی که دست و پا و سرش در شکاف تیری قرار دارد» از این رو لازم است مسئولان نظام اسلامی با افراد تحت سرپرستی، رفتاری سرشار از عدالت داشته باشند. بنا به فرموده امام علی: «جمال و زیبایی اداره امور، (اجرای) عدل است».

وظایف کارمندان در مقابل مردم

کارگزاران نظام اسلامی، از هر رده و مقامی که باشند، نسبت به مردم و مراجعه کنندگان، وظایفی دارند که به بیان مهم ترین آنها می پردازیم:

۱- برخورد کریمانه

در اسلام، مسئولیت کارمندی و کارگزاری، وسیله ای برای خدمت و خدمت رسانی به مردم است و بالا رفتن مقام و منزلت نیز میدانی گسترده تر برای خدمتگزاری بهتر به هموعان فراهم می کند. اگر کارمندان به با این نوع نگاه، به جایگاه خود بنگرند برخورد کریمانه با ارباب رجوع را از وظایف اساسی خود به شمار خواهند آورد امام صادق در این باره می فرمایند: «احترام مؤمن، بیشتر از کعبه است بنابراین باید به گونه ای با مراجعه کنندگان به سازمانها و ادارات روبرو شوند که در نگاه، رفتار و برخورد آنها افتخار خدمتگزاری را احساس کنند»

۲- فروتنی

یکی از وظایف کارمندان و کارگزاران نظام اسلامی، پرهیز از برتری جویی است؛ زیرا کارمند و کارگزاران مسلمان در پرتو فروتنی و پرهیز از خود پسندی موفق می شود، در قلب مردم تفود و مهربانی را به مردم بچشاند. از این رو هر اندازه فروتنی برای کارمند یا کارگزاران مسلمان شایسته است، به همان مقدار، دوری از تکبر و غرور بیجا برای او لازم خواهد بود؛ چون به فرموده امام علی، در پایان نتیجه ای به جز ذلت در پی نخواهد داشت: «تکبر کردن به هنگام مسئولیت، خواری به هنگام عزل است»

۳- گره گشایی

از اهداف کارمند و کارگزار، گره گشایی از کار مردم است. این مطلب را به آسانی می توان از پاسخ نامه امام صادق به عبد الله نجاشی، دریافت.

هنگامی که عبدالله از سوی خلیفه، به استانداری اهواز منصوب شده بود، از امام می خواهد تا دستورالعملی حکومتی برایش بنویسد. امام، در بخشی از نامه می فرماید: «بعد از خواندن نامه دانستم که به استانداری اهواز، منصوب شده ای؛ این خبر هم مرا خوشحال گردانید و هم غمگین - خوشحالیم از این بابت بود که گفتم شاید خداوند به وسیله تو، مظلوم خائفی از دوستان آل محمد را نجات دهد و خوار شده ای از آنان را عزت دهد، برهنه های از آنان را بپوشاند و ضعف آنان را تقویت نماید، آتش مخالفتشان را خاموش نماید و اما آنچه که از این خبر مرا ناراحت ساخت این است که کمترین خوف من درباره تو این است که حال و رفتارت را نسبت به یکی از دوستان ما تغییر دهی و در اثر آن، بوی بهشت به مشامت نرسد».

این نامه ارزشمند امام صادق، کارگزاری و پذیرش مسئولیت اداری را فرصت مناسبی می داند که بتواند از موقعیت خویش برای گره گشایی از کار مردم، بهره گیرد، نه اینکه مقام و مسئولیت، سبب شود که او از خدمت گزاری مردم غافل بماند.

۴- مدارا

همین طور آن حضرت، مدارا کردن را میوه عقل و خرده بنا به فرموده امام علی: «مدارا کردن از ستوده ترین خصلت هاست میداند و می فرماید: «میوه عقل و خرد، مدارا کردن با مردم است»

اگر چه بر همه مردم است که با همدیگر در امور و مشکلاتی که پیش می آید، مدارا داشته باشند، ولی لازم است که کارمندان محترم، این ویژگی ستوده را بیشتر مراعات کنند؛ زیرا گاهی در محیط های اداری ممکن است، اجرای دقیق دستورالعمل ها و مقررات اداری از

سوی کارمندان و کارگزاران وظیفه شناس، برای عده ای نا آگاه، یا کسانی که به ضوابط پایبند نیستند یا به هر دلیلی حقی برای خود قائل هستند، ناخوشایند باشد و حتی ممکن است با واکنش های ناشایست، از جمله: اجنانت، تهدید و پرخاشگری و ... کار خود را پیش ببرند. در این موقعیت، شایسته نیست که کارمندان مسلمان، با او مقابله به مثل کنند؛ بلکه بهتر است، سیاست مدارا را در پیش گیرد؛ چنان که حضرت علی می فرماید: «اساس اداره امور، به کارگیری مدارا است»

درباره شهید رجایی می نویسند : « او در اجرای دستورالعمل های بسیار جدی بود زمانی که بخشی از فعالیتهای مدیریتی، از جمله ثبت نام دانش آموزان به ایشان واگذار شده بود، در برابر توصیفها و تقاضاهای مغایر با مصوبه های عمومی مدرسه قاطعانه می ایستاد و به ضد ارزش های رایج و پارتی بازی تن نمیداد»

البته نباید فراموش کرد که از طریق مدارا، می توان از دوستی و برادری برخوردار شد و کینه و کدورتها را به فراموشی سپرد؛ چنان که امام علی می فرماید: « با مردم، مدارا کن تا از برادریشان بهره مند و با گشاده رویی، دیدارشان کن تا کینه هایشان بمیرد»